

## هوگوون هوفمن استال

نمایشنامه نویسنده اتریشی



هوفمن استال Hofmannsthal, Hugo von  
۱۸۲۹-۱۸۷۴ م

هوفمن استال شاعر، مقاله‌نویس و نمایشنامه‌نویس اتریشی در اول فوریه ۱۸۷۴ در وین بدنیا آمد. خانواده‌اش زمینه‌های اتریشی، ایتالیایی و آلمانی را توأم با خود به‌مراه داشت و به طبقات بالای جامعه وین متعلق بودند. پدرش مدیر بانک صاحب مکتبی بود و تحت تشویق‌های پدر هوفمن استال علاقه‌ای زودرس نسبت به هنر و موضوعات روشنفکرانه پیدا کرد. از جمله‌ی تجربه‌های نخست او دیدارهای مربی از «بورگ تئاتر» تئاتر مشهور وین بود و نیز رفتن به دبیرستان Akademisches مدرسه‌ای که به دلیل نگرش و سنت‌های اومانیستی‌اش بسیار مشهور بوده، در شانزده سالگی او قادر به نوشتن

ترجمه: منصور خلج

به پنج زبان و خواندن به هشت زبان بود. نخستین مقالات و اشعارش را تحت نام مستعار لوریس منتشر کرد. نگرش فوق‌العاده حساس نسبت به پیچیدگی‌های زندگی که بعدها در نمایشنامه‌هایش کاملاً مشهود است در اشعار اولیه او کاملاً دیده می‌شود. گروه ادبی که غالباً به کافه گریبنستایل رفت و آمد می‌کردند. شخصی‌ی جون «آرتور شیتسلر»، «ریچارد بیرهوفمن»، «هرمن باهر» و «استفان جورج»، برودی به کشف این استعداد جوان نائل آمده از شیتسلر که دوازده سال از هوفمن اشتال بزرگتر بود نقل قول شده است که «برای نخستین بار در زندگی‌م با یک نابغه مادرزاد روبرو شدم». و هرمن باهر یک مقاله تمجیدی بلند با عنوان «لوریس» نگاشت.

با انتشار درام غنائی دیروز (نگارش ۱۸۹۱، اجرا ۱۹۲۸) که در سن هفده سالگی و تحت نام مستعار توفیل مورن، نگاشت نویسنده جوان نمایل خود را به نگرش نشأت گرفته از آثار نویسندگان وین معروف به گروه گریبنستایل نشان داد.

در همین سال هوفمن استال استفان جورج شاعر را ملاقات کرد. این ملاقات منجر به دوستی شد که تا سال ۱۹۰۶ ادامه داشت.

در سال ۱۸۹۲ هوفمن استال دانشجوی حقوق در دانشگاه وین شد. اما از آنجا که این رشته مورد علاقه‌اش نبود بعد از دو سال آنرا رها کرد و به رشته زبان‌شناسی که از زمان سفرش به سرتاسر فرانسه و ایتالیا در نابستان ۱۸۹۳ بشدت مورد علاقه‌اش واقع شده بود روی آورد.

نمایشنامه مرگ و احیای اثر در خور توجه هوفمن استال در سال ۱۸۹۳ نگاشته شد. این نمایش تک‌پرده‌ای زندگی نجیب‌زاده‌ای را ترسیم می‌کند که در آستانه مرگ از زندگی و حیات بر باد رفته خود آگاه می‌شود و بی‌بردر که حقیقت زندگی را دریافته است. کسی را دوست نداشته و کسی نیز او را دوست نداشته است. آنگاه مرگ را پذیرا می‌شود.

یکسال قبل هوفمن استال نمایشنامه مرگ تیتیان (نگارش ۱۸۹۲، اجرا ۱۹۰۱) را به رشته تحریر در آورده بود که در آن نیز اندیشه‌هایی چون مرگ، زندگی، جوانی، رویاها، هنر و زیبایی، دستمایه اصلی اثر را تشکیل داده است.

در سال ۱۸۹۴ هوفمن استال داوطلب خدمت در سواره نظام شد با این امید که شیوه زندگی فعال همراه با نظم آنجا، چیزی را که او احساس می‌کرد بصورت کناره‌گیری دائمی‌اش از زندگی و نیز عدم

دستیابی به تجاربی مستقیم بود در وی کاهش دهد.

نگرش‌های روانشناسانه است این آثار عبارتند از: الکترا (۳۵) (۱۹۰۳)، ادیپوس (۳۰) اسفنکس (۱۹۰۶)، و ادیپوس شاه (۲۷) (تألیف ۱۹۰۵ اجرا ۱۹۱۰).

پس از بازگشت به دانشگاه بر روی تشریح «زبان گروه هفت نفره» شاعران برجسته فرانسوی» شروع بکار کرد (۱۸۹۷) و سه سال بعد تز دکترایش را دربارهٔ ویکتور هوگو (۲۲) به نگارش در آورد. در سال ۱۸۹۸ بدریافت درجه دکترا نائل آمد. او از پذیرش کارهای دیگر در این سالها امتناع نمود و منحصراً وقتش را صرف نوشتن کرد؛ نمایشنامه‌هایی چون تئاتر کوچک (۱۳) دنیا، یا خوشبخت‌ها (تألیف ۱۸۹۷، اجرا ۱۹۲۹) مادونا دینورا (۱۲) (۱۸۹۸، امپراتور و جادوگر (۱۱)

در همین ایام هوفمن استال با ریچارد اشتراوس (۳۵) موسقدان مشهور آشنا شد و این آشنایی به همکاری پرثمری انجامید. نمایشنامه الکترا در ۱۹۰۹ بصورت اپرا در آمد و متعاقب آن اپراهای اسب سوار رُز (۳۰) (۱۹۱۱، آریادن در ناکسوس (۳۰) (۱۹۱۲، زن بدون سایه (۳۱) (نگارش ۱۹۱۵، اجرا ۱۹۱۹) هلن مصری (۳۲) (تألیف ۱۹۲۳، اجرا



یک صحنه از نمایش «هرکس» اثر هوفمن استال، اجرا در فستیوال ساتنبرگ، ۱۹۵۹

(۱۹۲۸) و آریادا (۳۰) (نگارش ۱۹۲۹، اجرا ۱۹۳۳)، حاصل همکاری هوفمن استال و اشتراوس بر صحنه‌های وین به اجرا در آمدند. نمایشنامه سفر کریستینا به خانه (۳۲) (۱۹۱۰ از مشهورترین کمدی‌های هوفمن استال است که از سنت نمایشی آثار د. مولیر و کمدی‌های بومی اتریش پیروی می‌کند و همچنین مرد سخنگیر (۳۱) ۱۹۲۱، کمدی دلنشینی که در شهر وین و در زمان معاصر می‌گذرد بعد از جنگ جهانی، با ترسیم شخصیت مردی که ابتدا ماجراجوئیست ناآرام و دگرگونی این شخصیت به انسانی که به اهمیت ثبات در زندگی پی می‌برد و تجلی آنرا در ازدواج می‌آید. متعاقب آن کمدی مرد فسادناپذیر (۳۷) سال ۱۹۲۳ قابل ذکر است.

هوفمن استال بر اساس چند اثر کالدرون (۳۳) آثاری خلق نمود. نمایشنامه هرکس (۳۹) (تألیف ۱۹۱۱) اثر بسیار محبوب هوفمن استال بر اساس بزرگترین تئاتر جهان (۴۰)، نوشته کالدرون که بنابر نظر محققین به لحاظ داشتن مفاهیم عمیق و نحوهٔ نگرش تئاتر در عصر باروک (۴۱) بسیار حائز اهمیت است نگاشته شده، نمایشنامه هرکس از زمان برگزاری جشنواره سالزبورک (۴۲) همه ساله اجرای محوری این جشنواره است.

(نگارش ۱۸۹۷ اجرا ۱۹۲۶ با دیپزن سفیر (۳۰) (تألیف ۱۸۹۷ اجرا ۱۹۲۷)، ماجراجو و آوازه‌خوان (۳۱) (۱۸۹۹)، ازدواج زبیده (۳۱) (۱۸۹۹)، معادن فالون (۳۰) (نگارش ۱۸۹۹ اجرا ۱۹۴۹) بر اساس داستانی نوشته ای. تی. ا. هوفمن (۳۰) همراه با شمار زیادی اشعار غنائی، داستان و رساله را به رشته تحریر در آورد. در سال ۱۹۰۰ به پاریس رفت و در آنجا از جمله کسانی که ملاقات کرد آگوست (۳۱)، رودین و موریس (۳۲) مترلینگ بود، که دیدار آنها تأثیری عمیق بر او گذاشت. سال بعد با گرترو دشله زینگر (۳۳)، دختر یک بانکدار پیوند زناشویی بست. این زوج در خانه‌ای بیلابلی نزدیک وین سکنی گزیدند. آنها صاحب دو پسر و یک دختر شدند و تا پایان عمر زندگی آرام اصیل زادگان اتریشی را داشتند.

در سال ۱۹۰۳ اشعار جمع‌آوری شدهٔ هوفمن استال که بین سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ نگاشته شده بود به اصرار دوستش استفان جورج بچاپ رسید پیش از آن نامه لرد چاندوس (۴۲) ۱۹۰۲ رساله مشهور او پیرامون شعر، درام و کمدی نیز منتشر شده بود.

دیگر نمایشنامه‌هایی که او متناوباً از آغاز قرن بیستم نوشت یک‌دوره عمده‌تاً پرداخت‌هایی مجدد از آثار کلاسیک یونان با

لازم به ذکر است که در سال ۱۹۲۰ هوفمن استال به همراه ماکس راینهارت (۲۳) جشنواره سالزبورگ را براه انداختند، این جشنواره با نیت میراث‌داری بهترین آثار نمایشی کار خود را آغاز کرد.

نمایشنامه کم‌دی خانم غول (۲۴)، نگارش ۱۹۲۰ و قطعه نمایشی سمیرامیس (۲۵) و نیز نمایشنامه مشهور برج آخرین (۲۶) و بلند پروازانه‌ترین اثر هوفمن استال که بگفته درام شناسان جامع‌ترین اثر این نویسنده نیز محسوب می‌شود که در سال ۱۹۰۲ به عنوان اقتباسی آزاد زندگی یک رؤیاست (۲۷) اثر دیگر کالدرون آغاز شد و در ۱۹۲۵ به پایان رسید، قابل ذکرند.

هوفمن استال به هنگام نخستین جنگ جهانی چندین مقاله سیاسی مهم نگاشت که در آنها تأسّف عمیق خود را از شعله‌ور شدن آتش جنگ و اضمحلال امپراتوری آتریش - مجارستان ابراز داشت،

پیش از آن هم در سال ۱۹۰۶ در مقاله مشهوری که تحت عنوان «شاعر (۲۸) و این دوران نگاشته» بود او این عقیده را که نویسنده ملزم است مسئولیتی نسبت به عصر خود داشته باشد را فرمول‌بندی کرده است.

هوفمن استال برجسته‌ترین فرد گروه تئورومانتیک وینی با خلق و خوی پایان دوره اریستوکراسی اروپائی است که آثارش جنبه‌های روانشناسانه متنوعی را به نمایش می‌گذارد و تمرکزش بر جنبه‌های ناخودآگاه زندگی انسانها و با بهره‌گیری از اشعار عامیانه و موسیقی غنی اروپایی بسیار قابل توجه است. هوفمن استال در پانزدهم جولای ۱۹۲۹ بدلیل حمله قلبی در رودن چشم از جهان فرو بست، دو سال پیشتر از این تاریخ پسر بزرگش فرانز (۲۹) خودکشی کرده بود که این حادثه عمیقاً روح او را متأثر ساخته بود.

### منابع

#### 1- World Dram. Mc Graw-Hill. Encyclopedia (Vol. 2)

### پانویس

1. Burg Theatre
2. Loris
3. Cape Griensteidl
4. Arthur Schnitzler
5. Richard Beer-Hofmann
6. Hermann Bahr
7. Stefan George
8. Yesterday
9. Theophil Morren
10. In Death and The Fool
11. The Death of Titian
12. Victor Hugo
13. The Little Theatre of the world, or the Fortunate ones
14. Madonna Dianora
15. The Emperor and the witch
16. The White Fan
17. The Adventuier and the singer
18. The Marriage of Zobeide
19. The Mines of falun
20. E. T. A. Hoffman
21. Auguste Rodin
22. Maurice Maeter linck (۱۸۵۹-۱۹۲۹)

23. Gertrud Schlesinger
24. Lord Chandos
25. Electra
26. Qedipus and the sphinx
27. King Qodipus
28. Richard Strauss ریچارد اشتراوس
29. The Cavalier of the Rose
30. Aridne in Naxos
31. The Woman without a shadow
32. The Eggptian Helen
33. Arabella
34. Christina's Jouney Home
35. Moliere
36. The Difficult Man
37. The In Corruptible Man
38. Calderon de la Barca نمایشنامه‌نویس اسپانیایی (۱۶۰۰-۱۶۸۱ م) کالدرون دل بارکا
39. Every man
40. The Great Theatre of the world
41. Barock - تاریخ کم‌دی و ماکس راینهارت در سالزبورگ
42. Salzburg Festival
43. Max Reinhardt (۱۸۷۳-۱۹۴۳ م)
44. Dame Kobold
45. Ninus Somiramis - نمایشنامه کالدرون و هوفمن استال
46. The Tower
47. Life is a Dream
48. The Poet and These Times
49. Franz